

نشست علمی کارشناسی

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی  
(دانشگاه تهران)

انجمن مطالعات قفقاز

انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای  
(کارگروه اوراسیای مرکزی)

۱۵ شهریور ۱۴۰۰

گزارش کامل

نشست علمی-کارشناسی

## فرصت های همکاری ایران و روسیه در حوزه پسا شوروی

وبینار با حضور



**دکتر الکساندر شاتیلوف**

رئیس دانشکده جامعه‌شناسی و علوم سیاسی  
دانشگاه دولتی امور مالی روسیه



**دکتر خدایار براری**

عضو هیات علمی گروه مطالعات روسیه  
دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران



## گزارش کامل<sup>۱</sup>

دومین پیش‌نشست «همایش بین‌المللی روابط ایران و روسیه در پرتو تحولات نوین منطقه‌ای» و نشست علمی-کارشناسی «فرصت‌های همکاری ایران و روسیه در حوزه پسا شوروی» در روز یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۰ از سوی مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران با همکاری بنیاد مطالعات قفقاز و انجمن علمی ایرانی مطالعات منطقه‌ای (کارگروه اوراسیای مرکزی) به صورت وینار برگزار شد. در نود و دومین نشست دکتر خدایار براری عضو هیئت علمی گروه مطالعات روسیه دانشگاه مطالعات جهان دانشگاه تهران و دکتر الکساندر شاتیلوف رییس دانشکده جامعه‌شناسی و علوم سیاسی دانشگاه دولتی امور مالی روسیه به طرح دیدگاه‌های خود پرداختند. مدیر این نشست دکتر الهه کولایی بود.

در این نشست نخست دکتر کولایی با ارائه توضیح‌هایی در مورد فعالیت‌ها و پیشینه علمی دکتر شاتیلوف، از ایشان دعوت کردند به طرح دیدگاه خود بپردازند. دکتر شاتیلوف سخنرانی خود را این گونه آغاز کردند: از موارد مهمی که درباره سیاست روسیه در آسیای مرکزی و کشورهای پسا شوروی می‌توان مطرح کرد این است که تا سال ۲۰۱۴ نوعی همگرایی در کشورهای منطقه وجود داشت. بعد از سال ۲۰۱۴ و با رویدادهای جزیره کریمه، تحریم‌ها علیه روسیه شروع شد و فضا را دگرگون کرد. اگر پیشتر کشورهای آسیای مرکزی، روسیه را پشتیبان خود می‌دانستند. از سال ۲۰۱۴ وضعیت تغییر کرد و این تغییر به سود روسیه تمام نشد. هرچند روسیه در کشورهایی مانند تاجیکستان نیروهای خود

---

<sup>۱</sup> این گزارش از نوار صوتی سخنران‌های محترم در نشست «فرصت‌های همکاری ایران و روسیه در حوزه پسا شوروی» استخراج شده است.

را به صورت پایگاه‌های نظامی مستقر کرده یا در ازبکستان و ترکمنستان از نظر سیاسی و اقتصادی ارتباطات قوی دارد، اما پس از سال ۲۰۱۴ جهت‌گیری برخی دولتمردان در این کشورها تغییر کرده است. برای نمونه در قزاقستان برخی دولتمردان بیشتر به سمت غرب متمایل شده‌اند یا در برخی کشورهای عضو جامعه همسود (سی آی اس)، نخبگان چندجانبه‌گرایی را جایگزین وابستگی به روسیه کرده‌اند و با قدرتهای دیگر هم روابط خود را تقویت می‌کنند. بنابر این ایده «جهان روسی» اگرچه در روسیه کارکردهایی داشته، اما در مرحله کنونی نمی‌توان گفت همه کشورها همگرا و متکی به روسیه هستند.

بعد از رویدادهای سال ۲۰۱۴ روسیه نیز تصمیم گرفت سیاست خود را در قبال آسیای مرکزی تغییر داده و آن را در راستای حفظ تعادل و وضع موجود استوار کند تا بتواند تعادل ژئوپلیتیکی را حفظ کند که حتی اگر کشورها به غرب هم تمایل دارند، همچنان روابط خود را با روسیه حفظ کنند. در این راستا بود که روسیه تخفیف و وام‌هایی برای آسیای مرکزی در نظر گرفت و همینطور مشوق‌هایی در چارچوب پیمان اتحادیه اقتصادی اوراسیایی مطرح کرده و به‌طور کلی به جای نگاه آینده‌نگر به حفظ وضع موجود می‌اندیشد.

طرح ترانزیتی اسلام کریم اف در این مسیر تبیین می‌شود و مسکو بر اساس این طرح در پی حفظ روابط خود را با کشورهای منطقه بود. مسکو در ازبکستان نیز تلاش کرده با طرح‌های مختلف تعادل فعلی را حفظ کند. بنابر این مسکو در مرحله فعلی نسبت به سال‌های پیش تاثیرگذاری کمتری در این منطقه دارد. با توجه به اینکه کشورهای آسیای مرکزی سیاست چندجانبه‌گرایی را در پیش گرفتند، یکی از طرف‌های نقش‌آفرین منطقه، آمریکا و دیگری چین است. بنابر این رقابت تجاری بین آمریکا و چین نیز در منطقه رخ داده است. در سال‌های اخیر ترکیه هم

با ایدئولوژی عثمانی‌گرایی خود، حضور موثری در منطقه داشته و اردوغان در این زمینه موفق عمل کرده است. این واقعیت نشانگر ضعف مسکو در پیشبرد ایدئولوژی خود در منطقه است که نتوانسته پا به پای ترکیه پیش رود. ترکیه با ایده اتحاد کشورهای ترک زبان، قزاقستان و قرقیزستان را به طرف خود متمایل کرده است. حتی در زمینه‌هایی که در حوزه تجاری موفق نبوده، در حوزه ایدئولوژی موفقیت خوبی به دست آورده است. اردوغان با اتحاد کشورهای ترک زبان همگرایی خوبی با کشورهای منطقه ایجاد کرده است و امتیازهای زیادی به دست آورده است؛ در حالی که روسیه و حتی آمریکا در این زمینه چندان موفق نبوده اند.

ایشان در مورد نظر روسیه به رویدادهای افغانستان گفتند: با توجه به رخدادهای افغانستان و چیرگی طالبان دو مورد برای روسیه اهمیت دارد. نخست، خطری که طالبان برای ثبات و امنیت در آسیای مرکزی خواهند داشت که فعالیت روسیه را برای حفظ ثبات و امنیت در منطقه شدت می بخشد. اما نکته مثبت آن برای روسیه این است که در پی چیرگی گروه‌های تندرو بر افغانستان، بسیاری از نخبگان آسیای مرکزی ممکن است احساس کنند باید برای مدیریت تهدیدها از کشور دیگری مانند روسیه کمک گرفت. به علاوه ممکن است در حوزه تجاری و تامین نیازهای کشورها نیز، فرصت‌هایی برای روسیه وجود داشته باشد. نکته دیگر برای روسیه مساله مهاجرت است. با توجه به اینکه بخش زیاد نیروی کار روسیه از کشورهای ازبکستان و تاجیکستان است، ممکن است مهاجرت از این کشورها به روسیه بیشتر شود که می‌تواند برای روسیه مثبت برآورد شود. اگرچه برخی این ایده را مطرح کرده اند که مهاجرین توسط سازمانی در روسیه انتقال داده شوند تا روسیه از این اوضاع بهره ببرد، اما از آنجا که دیدگاه‌های مختلفی بین نخبگان و

مهاجرین به روسیه وجود دارد، به نظر من این اتفاق نمی افتد. همچنین روسیه در دونباس، روسیه سفید و قره باغ مسائل و ملاحظه هایی دارد. روسیه باید ثبات را در آنها نیز حفظ کند و ممکن است چالش هایی در این زمینه داشته باشد. در مورد افغانستان پیش بینی می شود که روسیه در آینده با بهره گیری از گزینه های سیاسی-نظامی و گفتگو با طالبان مقاصد خود را پیش برد.

\*\*\*

در ادامه دکتر براری سخنرانی خود را با عنوان "همکاری های ایران و روسیه در آسیای مرکزی با توجه به تحولات اخیر افغانستان به ویژه با توجه به خروج آمریکا" آغاز کردند و گفتند: قبل از اینکه در مورد منطقه صحبت کنیم باید بدانیم ابروندها یا روندهای کلان در منطقه چه هستند. پیش از ورود به بحث، درباره اهمیت آسیای مرکزی و افغانستان برای ایران و روسیه چند جدول را بررسی کنیم.

ایشان با اشاره به جدول هایی که آماده کرده بودند گفتند: از نظر جمعیت، کل جمعیت پنج کشور آسیای مرکزی به حدود ۷۵ میلیون نفر می رسد. ارقام جدول نشان می دهد کشورهای منطقه اگرچه از نظر منابع طبیعی بسیار غنی هستند، اما از نظر شاخص های اقتصادی وضعیت مناسبی ندارند. نکته بعدی اینکه از نظر شریکان تجاری منطقه، سهم روسیه از سال ۱۹۹۵ تاکنون از سی درصد به نه درصد یا یک سوم رسیده است. با این حال سهم چین از چهار درصد به هفده درصد رسیده است. پس چین از سال ۱۹۹۵ روابط اقتصادی را با این کشورها گسترش داده است، اما روسیه به دلیل مشکلات داخلی، خارجی و تحریم ها، در منطقه ای که حیات خلوت خود می داند، سهم خود را از دست داده است.

آمریکا از سال ۲۰۱۵ یک چارچوب چندجانبه در سطح وزرای خارجه آمریکا و کشورهای منطقه تشکیل داده است. ابزارهای آمریکا در منطقه چیست؟ کمک‌های مالی! نه میلیارد دلار کمک‌های مستقیم، کمک‌هایی به صورت وام مستقیم به میزان ۵۰ میلیارد دلار و سرمایه‌گذاری خصوصی ۳۱ میلیارد دلار. بورس‌های تحصیلی و تبادل استاد و دانشجو از سوی آمریکا در منطقه انجام شده است، همچنین ۷۰ پروژه در این کشورها در بخش فرهنگ و حفظ ارزشها اجرا شده است. پس آمریکا از سالهای قبل در این منطقه سرمایه‌گذاری کرده است.

رقیب بعدی روسیه یعنی چین نیز از ۲۰۲۰ با الگوگرفتن از آمریکا، نشست و کنفرانس‌هایی در منطقه برگزار می‌کند. بخش بزرگ پروژه راه ابریشم جدید یا طرح "یک کمربند، یک راه" از آسیای مرکزی عبور می‌کند و این به نفوذ ژئوپلیتیک چین خواهد انجامید. اما باید توجه کرد که در سال‌های اخیر یک بدبینی در برخی نخبگان نسبت چین - به دلیل نگرانی از افتادن کشورها به «دام بدهی» - ایجاد شده است. برای نمونه قرقیزستان از بانک واردات و صادرات چین وام گرفته است و نتوانست تا ۲۰۲۰ بدهی را پرداخت کند. اکنون چین برای پیشبرد اهداف خود در جهت نفوذ بیشتر و جلب اعتماد کشورها با اطلاع از این بدبینی و ناتوانی کشورها از بازپرداخت بدهی خود، بازپرداخت این وام‌ها را تسهیل کرده است.

اما ایران که این منطقه در حوزه تمدنی اش قرار دارد، چه کرده است؟ در چند سال اخیر اتفاق خاصی در اعداد و ارقام نیفتاده است. سطح تجارت ما با افغانستان نیز روند رو کاهش بوده است. ایشان در ادامه با اشاره به افسانه جعبه پاندورا، افغانستان را به جعبه پاندورا تشبیه و تاریخچه‌ای از شکست امپراتوری‌ها در افغانستان ارائه کردند: به افغانستان به این دلیل گورستان امپراتوری‌ها می‌گویند که در قرن نوزده روسیه تزاری با

افغانستان وارد نبرد شد و موفق به تسخیر این کشور نشد. پس از آن هم بریتانیا، شوروی و آمریکا به همان سرنوشت دچار شدند.

ایشان با اشاره به آسیای مرکزی گفتند: چرا امروز در مورد این منطقه صحبت می‌کنیم؟ چون این منطقه در حوزه تمدنی ایران و بستر شکل‌گیری برخی مسائل ژئوپلیتیکی ایران و روسیه است. ما رقبایی داریم که هم از نظر سیاسی و اقتصادی ممکن است مشکل ساز باشند. همزمان که با روسیه رقیب هستیم، اشتراک منافع‌هایی داریم که امکان همکاری در برخی حوزه‌ها را ایجاد می‌کند. برای شکل‌گیری همکاری‌های واقع-گرایانه - عمل‌گرایانه باید نخست ابروندها را در منطقه بررسی کنیم. این ابروندهای کلان کیفیت نظام بین‌الملل را چه در حال حاضر و چه در آینده تعیین می‌کنند. اگر ما این ابروندها را بشناسیم، هم زمینه‌های همکاری را پیدا می‌کنیم و هم چالش‌ها را بهتر می‌فهمیم و می‌توانیم برای آینده برنامه ریزی کنیم.

ایشان با طرح این پرسش که چه اتفاقی برای این منطقه خواهد افتاد؟ گفتند: کشورهای این منطقه هم با بی‌ثباتی و هم با بی‌ثبات‌سازی روبرو هستند. ایشان در تبیین ابروندهای منطقه گفتند: مساله مهاجرت یک ابروند هست که در سطح جهان هم مسائلی ورای مرزها و منطقه‌ها به وجود آورده است. مساله بعدی تروریسم و قاچاق اعم از مواد مخدر، سلاح و انسان است. افغانستان در زمینه قاچاق مواد مخدر اهمیت دارد. این قاچاق از نگرانی‌های اصلی ایران و روسیه است چرا که قاچاق از افغانستان دو مسیر دارد نخست از ایران به قفقاز، ترکیه و اروپا و دوم مسیر آسیای مرکزی به روسیه. ابروند سوم افراط‌گرایی است. ابروند چهارم مساله محیط زیست که پیامدهای گسترده‌ای برای کل منطقه و کشورهای پیرامونی دارد. تاریخ در حال تکرار است. طالبان دوباره بر سر

قدرت آمده است. بنابراین ایران و روسیه باید تصمیم بگیرند که چه سیاست‌هایی خواهند داشت.

ایشان با اشاره به تهدیدهای امنیتی مشترک ایران و روسیه مانند تشدید فعالیت‌های بازیگران منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای از جمله چین، هند و پاکستان، و همچنین جابه جایی نیروهای داعش از خاورمیانه به آسیای مرکزی و افغانستان، به ابزارهایی اشاره کردند که ایران و روسیه می‌توانند با آن به دفع تهدیدها بپردازند: سازمان همکاری شانگهای، سازمان پیمان امنیت جمعی و همچنین اتحادیه اقتصادی اوراسیایی از جمله این ابزارها است. ما در قالب این سازمان‌ها می‌توانیم بستری برای همکاری دوطرف به وجود آوریم. امید که ایران و روسیه بتوانند به چارچوب همکاری برای برقراری صلح و ثبات در منطقه دست یابند.

\*\*\*

در ادامه دکتر کولایی از سخنرانی هر دو مهمان تشکر کردند و گفتند: تحولات افغانستان با سرعت رخ داد، اما این شگفت‌زدگی از این تحولات من را به یاد سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ می‌اندازد. در آن سال‌ها نیز طالبان به سرعت بر کشور چیره شد.

ایشان افزود: ایران و ترکیه دو بازیگر مهم بودند که پس از فروپاشی شوروی انتظار می‌رفت در آسیای مرکزی و قفقاز فعال شوند. ایران برخلاف ترکیه به شکل همسوتری با روسیه سیاستهای خود را در قبال منطقه تنظیم کرد. آثار این همسویی را در روابط دو کشور می‌بینیم. عرصه‌هایی از این رقابت و همکاری در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز و امروز در افغانستان وجود دارد. در ادامه نشست حاضران به طرح پرسش‌ها یا دیدگاه‌های خود پرداختند.

\*\*\*



پرسش: جمهوری اسلامی ایران در سوریه نیز منافع مشترک را با روسیه داشت اما ما چهره مناسبی را از این کشور در سوریه ندیدیم. در زمان تقسیم دستاوردها در این کشور، روسیه تجربه خوبی را به جای گذاشت. آیا امکان تکرار این تجربه در افغانستان نیست؟

دکتر براری: سیاست روس‌ها مانند بازی شطرنج است. پوتین بارها اعلام کرده سیاستی عمل‌گرا در پیش دارد، اما ما توقع برادری و دوستی از این کشور داریم. باید بدانیم رفتار روس‌های این گونه است و اگر نتوانیم با چشم باز وارد میدان شویم و هزینه و فایده را محاسبه کنیم و با نگاه‌های غیرواقع‌بینانه به مسائل نگاه کنیم، همان تجربه را بارها تکرار خواهیم کرد. البته افغانستان مانند سوریه نیست. اما اگر این واقعیت را نپذیریم، این تجربه بارها تکرار خواهد شد. طالبان الان در روسیه در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دارد، اما اگر دولت فراگیر در این کشور شکل بگیرد، گمان می‌رود روس‌ها طالبان را از این فهرست خارج کنند. ما باید روندها را بشناسیم. باید بدون توقع‌های غیرواقعی و بر اساس محاسبات دقیق و واقع‌بینانه وارد بازی شطرنج شویم.

دکتر شاتیلوف: من فکر می‌کنم وضعیت در سوریه تغییر کرده است. پیشتر آمریکا و کشورهای دیگر نسبت به ایران حساسیت داشتند، ولی اکنون این حساسیت کم شده است. به علاوه مقام‌های روس بارها اعلام کرده‌اند که ما عمل‌گرا هستیم. البته جامعه نخبگانی روسیه طیفی از مواضع و نگاه‌های متفاوت را در قبال ایران دارند. براینکه این نگاه‌ها مهم است. با توجه به تغییر وضعیت در سوریه مواضع این گروه‌ها نیز تغییر می‌کند. باید توجه کرد که برخی جریان‌های روسیه، لابی غربی دارند. به علاوه وضعیت خود ایران و تحریم‌ها نیز می‌تواند در نگاه نخبگان روس نسبت به ایران تاثیرگذار باشد.

پرسش: شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان در سال‌های اخیر فعالیت‌های بیشتری پیدا کرده است. پیشتر مجارستان و اوکراین و در بهار امسال نیز وزیر خارجه دولت غنی در افغانستان، درخواست عضویت ناظر در شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان را داشته اند. برخی تحلیلگران ترکیه این این گمانه را طرح کرده‌اند که شاید روسیه نیز به عنوان عضو ناظر به این شورا بپیوندند. نظر شما نسبت به این گمانه چیست؟ همچنین درمورد نقش ترکیه در بحران افغانستان نیز نظراتان را بفرمایید.

دکتر شاتیلوف: بله. هم مجارستان، هم اوکراین و هم افغانستان درخواست خود را داده‌اند تا عضو ناظر شورای کشورهای ترک‌زبان شوند، اما تاکنون تایید نشده است. این ادعا وجود داشته که روسیه نیز وارد شورا شود و بخش‌هایی از نخبگان روسیه این مساله را با توجه به ترک‌زبان بودن برخی از مردم روسیه مطرح کرده‌اند. خود من ورود به شوراهای زبانی، دینی و فرهنگی را مناسب نمی‌دانم. اردوغان تلاش می‌کند این موضوع را گسترش دهد. افرادی در تاتارستان و باشقیرستان نیز این تمایل را طرح کرده‌اند که در صورت تحقق می‌تواند به سود ترکیه باشد. اما به نظر من در مجموع این مساله مثبت نیست و موضوعی اختلاف افکن است.

دکتر براری: ترک‌ها از دیپلماسی سیاسی و فرهنگی برای نفوذ بیشتر در قفقاز و آسیای مرکزی استفاده کردند. نوعثمانی‌گرایی واقعیتی است که ما امروز پیامدهای آن را می‌بینیم. بر این پایه، حوزه نفوذ ترکیه گسترش پیدا کرده است. در دوران جنگ سرد روس‌ها این مساله را تهدید امنیت ملی خود می‌دیدند، اما اکنون اختلاف‌نظرهایی پیرامون این مساله در روسیه وجود دارد. حتی در سال ۲۰۱۶ لاوروف گفت که ما پیوستن به این شورا را بررسی می‌کنیم. در روسیه بعد از روس‌زبان‌ها، ترک‌زبان‌ها در جایگاه

دوم هستند. ممکن است روسیه به این نتیجه برسد که روزی برای تامین منافع ملی خود به این شورا به عنوان ناظر بپیوندد. فراموش نکنیم روسیه بارها اصرار داشت به ناتو هم بپیوندد. ناتویی که تهدید اصلی برای امنیت روسیه بود. برخی مقام‌های آمریکا می‌گفتند روس‌ها می‌خواهند وارد ناتو شوند که از درون آن را تضعیف کند.

در افغانستان، هم ترکیه هم روسیه فعال هستند و روسیه در آنجا نیز تلاش می‌کند با همه طرف‌ها وارد تعامل شود. برای نمونه پیام طالبان به نیروهای مقاومت ائتلاف شمال از سوی سفارت روسیه در افغانستان به آنها منتقل شد. بنابر این سیاست روسیه در چارچوب عمل‌گرایی پیش می‌رود و اگر ضرورت‌ها و منافع ایجاب کند به سازمانها می‌پیوندد.

دکتر شاتیلوف: در قالب مزاح می‌گویم روسیه آماده است وارد شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان شود به شرطی که ترکیه هم پیوستن کریمه به روسیه را بپذیرد!!

دکتر کولایی: طالبان پیش از اقدام‌های نظامی گسترده علیه محمد اشرف غنی گفتگوهایی در دوحه، تهران و مسکو داشته‌اند. افغانستان در دهه‌های گذشته بستر مناسب پرورش گروه‌های افراط‌گرای اسلامی بوده است. با در نظر گرفتن تجربه سال‌های ۲۰۰۱ یکی از دغدغه‌های مهم روسیه مساله "تروریسم" است و همین یکی از انگیزه‌های حضور نظامی روسیه در سوریه شد. نگرانی از گسترش تروریسم به مرزهای فدراسیون روسیه برای مسکو اهمیت دارد. با توجه به تجربه طالبان پس از سال ۱۹۹۷ و سیاست طالبان در انتهای دهه ۱۹۹۰، آیا روسیه فکر می‌کند طالبان مسیر متفاوتی را خواهد رفت؟ آمریکایی‌ها در سال ۱۹۹۷ طالبان را روی کار آوردند و تکلیف این کشور مشخص است. اما روسیه برآوردی از آینده بنیادگرایی در افغانستان آن هم از نوع داعشی دارد؟ چرا این خطر

کوچک ارزیابی شده و آیا روسیه این خطر را جدی نمی‌بیند؟ علت تفاوت در سیاست روسیه در سوریه نسبت به سیاست این کشور در افغانستان چیست؟

دکتر شاتیلوف: در افغانستان وضعیت منحصر به فردی شکل گرفت به ویژه با توجه به اینکه در این کشور القاعده، داعش و طالبان به عنوان سه گروه تروریستی فعال هستند. هر کدام از این سه گروه را آمریکا برای هدفی ایجاد کرد. القاعده را ساخت که با شوروی تقابل کند، طالبان را در برابر نجیب‌الله به صف کرد و داعش را به دلیل اینکه ثبات را از کشورهای منطقه بگیرد به وجود آورد. روسیه نسبت به این خطر آگاه است و می‌داند این مساله را آمریکا به وجود آورده و دست‌ان طالبان را در آسیای مرکزی باز گذاشته است. از سوی دیگر ما انقلاب‌های رنگی را در کشورهای پیرامون خود داشته‌ایم.

در واقع آمریکا طالبان را فعال کرده تا در آسیای مرکزی فعالیت‌های خود را گسترش دهد. ممکن است در تاجیکستان فعال شوند و روسیه این خطر را می‌فهمد و تلاش می‌کند این مناقشه را مهار کند و بر روند رویدادها تاثیرگذار باشد. روسیه تلاش می‌کند با طالبان برخوردی محتاطانه داشته باشد تا آنها در آسیای مرکزی برای روسیه مشکلات کمتری به وجود بیاورند چه از نظر اقتصادی، چه امنیتی و نظامی و چه مهاجرت. اگر مشکلاتی در آسیای مرکزی به وجود آید، شمار زیادی از مهاجران به ویژه از ازبکستان به روسیه می‌روند که این اتفاق خوشایندی برای روسیه نیست. همچنین طالبان می‌تواند پروژه‌های انرژی روسیه در ازبکستان و ترکمنستان را به خطر بیندازد. روسیه این خطرها را می‌فهمد و تلاش می‌کند به صورت محتاطانه با طالبان ارتباط داشته باشد.

دکتر براری در پاسخ به پرسشی در مورد مصداق های عمل‌گرایی روسیه گفتند: اگرچه عمل‌گرایی- پراگماتیسم- مفهوم فلسفی است، اما در سیاست آن را مصلحت‌اندیشی- مصلحت‌گرایی توصیف می‌کنیم. اینکه گفته می‌شود روسیه با کارت ایران بازی می‌کند و توصیف‌های مشابه، سخن‌مگویی نیست. رئیس‌جمهور روسیه نیز آشکارا اعلام کرده است که ما عمل‌گرایی را در دستور کار قرار دادیم. جایی که مصلحت روسیه اقتضا کند، ما وارد مذاکره می‌شویم و اگر نکند نمی‌شویم.

در مورد افغانستان نیز همین‌گونه است. در این کشور وقتی روسیه با طالبان مذاکره می‌کند، با ایران مشورتی نمی‌کند و منافع خود را در نظر گرفته است. در سال ۲۰۱۴ اخباری منتشر شد که سازمان اطلاعات پاکستان، آمریکا و گروه‌های طالبان افغانستان و پاکستان توافق محرمانه برای انتقال نیروها به افغانستان داشته‌اند. یعنی از مسیر پاکستان یک راهرویی ایجاد شود. در سال ۲۰۱۵ اخباری منتشر شد در مورد اینکه از پاکستان راهرویی برای تجهیز فنی و پشتیبانی ایجاد شده است. در سال ۲۰۱۶ گفته شد که هلیکوپترهای ناشناس - در شرایطی که آمریکا در افغانستان همه تحولات را زیر نظر دارد- در شمال افغانستان تخلیه شده است. بنابراین باید روندها را رصد کنیم تا به سیاست‌های میان‌مدت و کوتاه مدت برسیم.

من باور نمی‌کنم آمریکا غافلگیر شده باشد. در کوتاه‌مدت طالبان تلاش می‌کند روس‌ها را مجاب کند و تضمین داده که وارد آسیای مرکزی نخواهد شد. اما این نیروها نیز متنوع و طیف‌گوناگونی هستند (داعش، طالبان) و ممکن است باهم اختلاف داشته باشند. البته تا زمانی که دو گروه، دشمن مشترک دارند، تلاش می‌کنند کمتر وارد مناقشه با هم شوند. باید توجه کرد که ترکمنستان بخشی از گاز خود را به چین صادر می‌کند و همزمان ضعیف‌ترین کشور آسیای مرکزی است. اگر قرار باشد

ترکمنستان نا آرام شود چین هم متاثر می‌شود. زیرا یک قرار داد ۳۰ ساله با ترکمنستان دارد (در بخش انرژی سرمایه‌گذاری کرده است). روسیه نمی‌تواند در افغانستان سرمایه‌گذاری کند و بیشتر ملاحظات امنیتی دارد. روسیه می‌خواهد مطمئن شود که قدرت مرکزی وارد حیات خلوت روسیه نمی‌شود. دوم اینکه از خلا قدرت حضور امریکا برای منافع خودش بهره ببرد.

پرسش: تاثیر همکاری روسیه و ترکیه در قره باغ بر روابط روسیه و ایران در زمینه مسائل این منطقه چیست؟

دکتر شاتیلوف: همکاری روسیه با ترکیه در بحران قره باغ به دلخواه مسکو نبود. وضعیت به وجود آمده، روسیه را وادار به این همکاری کرد. روسیه با ارمنستان قرارداد امنیتی - نظامی داشت، هرچند که ارمنستان هم اعلان جنگ و درخواست کمک از روسیه نکرد. از سوی دیگر روسیه همکاری خوبی با جمهوری آذربایجان داشت. به همین دلیل با دقت و ملاحظه اقدام کرد. روسیه تقویت نقش ترکیه در قفقاز را مثبت نمی‌داند. ترکیه جمهوری آذربایجان را به خود نزدیک کرده است و با این کار روند واگرایی را -نسبت به روسیه- در منطقه به وجود آورده است. هرچند جمهوری آذربایجان در این مناقشه پیروز شد اما هر دو طرف درگیر، از روسیه ناراضی هستند.

در مورد ایران شرایط تفاوت دارد و اعتماد متقابل بیشتری بین ایران و روسیه وجود دارد. هر دو کشور از تحریم‌ها آسیب دیده‌اند و این مایه همگرایی در روابط دو کشور شده است. بر این اساس همکاری‌های سیاسی و نظامی بین دو کشور گسترش می‌یابد. نکته دوم اینکه دو کشور ایران و روسیه همکاری مثبتی در سوریه داشتند. در رابطه با افغانستان و آسیای مرکزی هم با توجه به اینکه روابط سازنده‌ای بین دو کشور وجود

دارد. روسیه از نقش موثر ایران در افغانستان و آسیای مرکزی خوشحال خواهد بود.

در پایان نشست دکتر کولایی از حضور و سخنرانی دکتر براری و دکتر شاتیلیف تشکر و قدردانی کردند.

پایان

## انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۱۹۸۰۴

نمبر: ۰۲۱۶۶۹۵۳۹۹۶۰-۰۲۱۶۶۴۱۹۷۰۴

پست الکترونیک:

[info@irsa.org.ir](mailto:info@irsa.org.ir)

تارنما:

[irsa.org.ir](http://irsa.org.ir)

تهیه گزارش: سمیه بابازاده

## Iranian Regional Studies Association

Address: Faculty of Law and  
Political Science, University of  
Tehran, Enghelab Ave, Tehran,  
Iran.

Website: [irsa.org.ir](http://irsa.org.ir)

Email: [info@irsa.org.ir](mailto:info@irsa.org.ir)

Tel No: +982166419704